

زبان فارسی و گویش های ایرانی

سال اول، دوره دوم، پیزونومندان ۱۳۹۵، شماره پیاپی ۲

بیان مالکیت در تالشی

دکتر مهرداد نغزگوی کهن

تاریخ دریافت: ۹۵/۴/۲۴

تاریخ پذیرش: ۹۵/۷/۱۹

چکیده

هدف این تحقیق شناسایی انواع ساختهای مالکیت در گویش تالشی براساس چارچوب رده‌شناسختی آیکنوالد (۲۰۱۳) است. غالباً مواد تالشی مرکزی و جنوبی بررسی شده گرچه گاه به خصوصیات ساختهای مالکیت در تالشی شمالی نیز اشاره گردیده است. داده‌ها نشان‌دهنده استفاده از چهار راهکار هم‌جواری، نشانه‌گذاری مالک، نشانه‌گذاری مملوک، و بالاخره نشانه‌گذاری مالک و مملوک برای رمزگذاری «مالکیت اسمی» است. نکته جالب در تالشی معتبر بودن شمار برای نشانه‌گذاری مالک است؛ حالت‌نمای *-n* به مالک مفرد و حالت‌نمای *-un*- به مالک جمع متصل می‌گردد. مشخصه دیگر این زبان، وجود شش ضمیر ملکی تمایز است که می‌تواند جایگزین مالک یا مالکان در مالکیت اسمی شود. در تالشی، ساختهای موجود در «مالکیت محمولی» نیز بسیار متنوع است. به طور کلی، در نمایش این نوع مالکیت از ساخت وجودی و ساخت ملکی ربطی استفاده می‌شود. نکته جالب دیگر استفاده از پس‌اضافه/ پی‌بست *â* بعد از مالک در بسیاری از این ساخت‌هاست. این نشانه مانند سایر پس‌اضافه‌ها در این گویش موجب اعطای حالت غیرفعالی به اسم قبلی (مالک) می‌شود.

کلیدواژه‌ها: مالکیت، مالکیت اسمی، مالکیت محمولی، رده‌شناسی تالشی

✉ mehrdad.kohan@basu.ac.ir

۱. دانشیار زبان‌شناسی عمومی دانشگاه پوعلی سینا همدان

۱- مقدمه

زبان‌شناسان تاکنون با زبانی برخورد نکرده‌اند که «مالکیت» در آن رمزگذاری نشده باشد، به همین دلیل، مالکیت حوزه زبانی جهانی محسوب می‌گردد (هاینه^۱: ۲۹۹۷). البته جهانی بودن به معنای یکسانی راهکارهای رمزگذاری این مفهوم در زبان‌های جهان نیست. به عبارت دیگر، حتی در زبان‌های یک خانواده زبانی و یا در ادوار تاریخی یک زبان می‌توان گوناگونی‌هایی در استفاده از راهکارهای مختلف صرفی/ نحوی بازمودن رابطهٔ مالک و مملوک دید. در مطالعات رده‌شناختی، زبان‌شناسان سعی کرده‌اند این راهکارها را شناسایی و توصیف کنند و رابطهٔ احتمالی آنها را با یکدیگر بازنمایند. برای برخی زبان‌شناسان (هاینه، ۱۹۹۷) شناخت منبع و سرچشمۀ اولیۀ ساخت‌های ملکی مهم است، و برای برخی (دیکسون^۲، ۲۰۱۰ و آیکنوالد^۳، ۲۰۱۳) نوع ساخت‌هایی که به صورت هم‌زمانی استفاده می‌شده‌است. در این مقاله، به دلیل نبود شواهد مکتوب متقدم از تالشی، بیشتر راهکارهای رمزگذاری هم‌زمانی مذکور بوده‌است.

تالشی از زبان‌های سواحل دریای خزر است که خود به زبان‌های دستهٔ شمال غربی زبان‌های ایرانی تعلق دارد. این گویش با گویش‌های دیگر سواحل خزر و نیز با گویش‌های مرکزی ایران ارتباط می‌یافته‌است. بعضی از زبان‌شناسان، تالشی را به سه گروه تقسیم نموده‌اند: تالشی شمالی رایج در جمهوری آذربایجان، تالشی مرکزی رایج در مناطق جنوبی‌تر مثل اسلام‌تالش و بخش پره‌سر رضوانشهر، و تالشی جنوبی رایج در شاندرمن، ماسال، شفت، فومن و صومعه‌سرا. گویش جنوبی تالشی به تاتی نزدیک‌تر است و میان آنان فهم متقابل وجود دارد (استیلو^۴، ۱۹۸۱: ۱۴۰ و ۱۲؛ نیز نک. رضایتی کیشه‌خاله، ۱۳۸۶: ۱۵). به علت شباهت تالشی شمالی و مرکزی و اختلاف آنها با تالشی جنوبی، اخیراً استیلو (۲۰۱۵) در مقالهٔ مفصلی با دلایلی این دو دسته را دو زبان کاملاً متمایز با منشأهای متفاوت دانسته‌است.

شواهد این تحقیق بیشتر از گونه‌های مرکزی و جنوبی است، گرچه از مالکیت در تالشی شمالی نیز صحبت کرده‌ایم. تآنجاکه نگارنده مطلع است، در هیچ تحقیقی دربارهٔ زبان تالشی، منحصرأ به مالکیت و شیوه‌های رمزگذاری آن نپرداخته‌اند.

در تحقیقات بیان مالکیت در زبان‌های جهان، معمولاً مالکیت اسمی^۵ و مالکیت محمولی^۶ از هم متمایز می‌گردد (هاینه، ۱۹۹۷؛ دیکسون، ۲۰۱۰؛ آیکنوالد، ۲۰۱۳). در زبان‌های جهان مالکیت

1. Heine

2. Dixon

3. Aikhenvald

4. Stilo

5. nominal/adnominal possession

6. predicative possession

اسمی ناظر بر معناهای تملک^۱ (به لحاظ حقوقی)، رابطه کل به جزء و روابط خویشاوندی (سببی و نسبی) است (آیکنوالد، ۲۰۱۳: ۳). به عبارت فنی‌تر، ساختهای ملکی اسمی می‌توانند هم ناظر بر مملوک تفکیک‌پذیر^۲ باشند و هم دلالت بر مملوک تفکیک‌ناپذیر^۳ کنند. در مملوک‌های تفکیک‌پذیر، معمولاً با مواردی از مالکیت سروکار داریم که می‌توان در آنها رابطه مالک و مملوک را قطع کرد، یا مملوک را انتقال داد، قرض داد، فروخت و ... در تقسیم‌بندی سه گانهٔ معناهای اصلی مالکیت که ذکر کردیم، ساختهای ناظر بر «تملک» معمولاً دارای مملوک‌های تفکیک‌پذیرند، و ممکن است از ساختهای ناظر بر معناهای «کل-جزء» یا «خویشاوندی» که در طبقهٔ تفکیک‌ناپذیر جای می‌گیرند تمیز شوند. مملوک‌های تفکیک‌ناپذیر به لحاظ مفهومی به‌طور تنگاتنگی به مالک ربط دارند و غالباً ناظر بر رابطهٔ ذاتی و اجباری‌اند، در حالی‌که در مالکیت تفکیک‌پذیر، مملوک می‌تواند مستقل از کل وجود داشته باشد. موارد تفکیک‌پذیر را مقولهٔ «و غیره»^۴ نیز می‌نامند. تقسیم دوگانهٔ مالکیت معمولاً در جوامع کوچک صورت می‌پذیرد.

ساخت محمولی یا فعلی مالکیت مبین معنای هسته‌ای «تملک» در داخل بند است. به عبارت دیگر، این ساخت بیشتر ناظر بر روابط ملکی تفکیک‌پذیر است. افزون بر این، ساختهای ملکی محمولی خاص‌ترند و گوناگونی‌های بیشتری دارند (آیکنوالد، ۲۰۱۳: ۱؛ نیز نک. دیکسون، ۲۰۱۰: ۲۸۶-۲۹۰)، مثلاً در بعضی از زبان‌ها، فعلی به معنای «داشتن» یا «متعلق بودن» وجود ندارد (دیکسون، ۲۰۱۰: ۲۹۸؛ استنسن، ۲۰۰۹: ۸). این در مورد ساختهای ملکی اسمی صدق نمی‌کند. ساختهای اسمی زبان‌های جهان بیشتر شبیه هماند و گوناگونی کمتری دارند. هایمن^۵ (۱۹۸۳: ۷۹۳-۷۹۵؛ ۱۹۸۵: ۱۳۰-۱۳۶) این را به «اصل انگیزش شماهی»^۶ نسبت می‌دهد. براساس این اصل، روابط ملکی تفکیک‌ناپذیر نسبت به روابط ملکی تفکیک‌پذیر به نشان‌داری صوری کمتری نیاز دارند. گفتیم که ساختهای ملکی اسمی بیشتر ناظر بر روابط ملکی تفکیک‌ناپذیرند، بنابراین نشان‌داری صوری آنها نیز قاعده‌تاً باید کمتر باشد و درنتیجه گوناگونی آنها در زبان‌های جهان کمتر است (نک. آیکنوالد، ۲۰۱۳: ۸).

1. ownership

2. alienably possessed

3. inalienably possessed

4. all else category

5. Stassen

6. Haiman

7. iconicity principle

در این مقاله به بررسی رمزگذاری مالکیت در تالشی در ساختهای ملکی اسمی و محمولی می‌پردازیم. در اینجا در طبقه‌بندی انواع راهکارها در رمزگذاری مالکیت اسمی و مالکیت محمولی از چارچوب آیکنوالد (۲۰۱۳) پیروی کرده‌ایم. این چارچوب بر پایه نظرات دیکسون (۲۰۱۰) است. این تحقیق از نوع کمی نیست، و در آن شمارش بسامدی نشده‌است. ابتدا چارچوب مقاله و سپس شواهد و پیکره استفاده شده را معرفی می‌کنیم. بعد به تفکیک، به بررسی و تحلیل چگونگی رمزگذاری مالکیت اسمی و محمولی در تالشی بر اساس چارچوب می‌پردازیم.

۲- چارچوب تحقیق

براساس تحقیقات رده‌شناسختی، آیکنوالد (۲۰۱۳) و دیکسون (۲۰۱۰) راهکارهایی برای رمزگذاری مالکیت اسمی و مالکیت محمولی بیان کرده‌اند که اجمالاً معرفی می‌شوند؛

۱-۱- رمزگذاری مالکیت اسمی

در گروه‌های اسمی ملکی، مملوک هسته گروه و مالک وابسته است. بر اساس تحقیقات در زبان‌های جهان بیشتر مالک/ وابسته نشان‌دار می‌شود تا مملوک/ هسته. نشان‌داری هم‌زمان مالک و مملوک نسبت به دو گزینه قبیل بسیار کمتر در زبان‌های جهان دیده شده‌است. بی‌نشانی مالک و مملوک نیز در زبان‌های جهان زیاد رایج نیست (برای توزیع جغرافیایی انواع نشانه‌گذاری مالکیت نک. نیکولز^۱ و بیکل^۲، ۲۰۰۵: ۱۰۲-۱۰۵. آیکنوالد ۲۰۱۳: ۸-۶) با مطالعه در زبان‌های جهان، راهکارهای زیر را برای رمزگذاری مالکیت در گروه اسمی معرفی می‌کند:

۱. هم‌جواری^۳: ناظر بر ترتیب قرار گرفتن مالک نسبت به مملوک است؛ مالک می‌تواند به‌طور نظام‌مند همیشه قبل از مملوک و یا بعد از آن قرار گیرد، و این‌گونه تمایز این دو برای گویشوران مشخص گردد، مثل زبان تی‌وی^۴ در شمال استرالیا (نیکولز و بیکل، ۲۰۰۵: ۱۰۲)، شاهد از اوسبورن^۵. در این زبان نشانه‌ای به مالک یا مملوک متصل نمی‌گردد و تقدم جایگاهی مالک بر مملوک این دو را متمایز می‌سازد:

(۱)	jərəkəpai	tuwara	
	crocodile	tail	(دُمِ کروکدیل)

1. Nichols

2. Bickel

3. juxtaposition

4. Tiwi

5. Osborne

۲. نشانه‌گذاری مالک: در این راهکار معمولاً مالک با وند تصریفی یا واژه‌بست نشان‌دار می‌شود. در مثال زیر از انگلیسی، مالک (John) با نشانه (z) 's از مملوک متمایز شده است:

(۲) John's eye (چشمِ جان)

در زبان‌هایی که کاربرد نشانه‌های حالت در آنها معتبر است، این راهکار معمولاً با حالت‌نمای اضافی^۱ استفاده می‌شود. در مثال زیر از آلمانی، Vater (پدر) نشانه اضافی -s- گرفته است:

(۳) das Buch des Vater-s

DEF book DEF. POSS father-POSS (کتابِ پدر)

۳. نشانه‌گذاری مملوک: در این نوع نشانه‌گذاری، وند تصریفی یا واژه‌بست به مملوک متصل می‌شود. این نوع نشانه‌گذاری در زبان‌های ایرانی و ترکی «اضافه» نامیده می‌شود و در این زبان‌ها با کسره اضافه باز نموده می‌شود^(۴):

(۴) کتابِ حسن

در این مثال کسره اضافه - که پی‌بست است - وظیفه نشان‌دار کردن مملوک (کتاب) را به عهده دارد و مالک (حسن) بی‌نشان است. این یکی از نقش‌های کسره اضافه در فارسی است.

۴. نشانه‌گذاری مالک و مملوک: در این نوع نشانه‌گذاری، هم مالک و هم مملوک نشانه‌گذاری می‌شوند، مثل زبان میوک کاستانوآن^۲ در ایالت کالیفرنیای آمریکا (نیکولز و بیکل، ۲۰۰۵: ۱۰۲؛ شاهد از برادبنت^۳، ۱۹۶۴: ۱۳۳):

(۵) cuku-ŋ hu:ki-ʔ-hy:

dog-GEN tail-3SG (دُمِ سگ؛ تحت‌اللفظی: سگِ دُمش)

در زبان‌های ایرانی شمال غربی نیز این نوع نشانه‌گذاری دوگانه^۴ دیده شده است (استیلو، ۲۰۰۹: ۷۱۱؛ کریستن سن، ۱۹۲۱: ۵۷) (گوش‌[های] دیوها)

(۶) gōs-u dēw-ā

ear-EZAFE demon-OBL.Pl (کریستن سن، ۱۹۲۱: ۵۷) (گوش‌[های] دیوها)

در این مثال، به مالک (dēw) حالت‌نمای غیرفعالی^۵ جمع -ā- متصل شده و نشانه اضافه نیز نیز مملوک را مشخص نموده است.

1. genitive

2. Miwok-Costanoan

3. Broadbent

4. double-marking

5. Christensen

۵. استفاده از یک نشانه مستقل: در این راهکار، یک جزءِ دستوری ناظر بر ارتباط مالک و مملوک است (آیکنوالد، ۱۳۰۱: ۵، شاهد از امکا، ۱۹۹۶: ۷۹۱).

(۷) Ama	phiét	Omedeze
Ama	POSS	pot

(گلدان اما)

قابل‌شدن به یک نشانه مستقل کمی مناقشه‌برانگیز است، زیرا بعضی از محققان فقط مقیدنبوذ نشانه را ملاک تمایز این طبقه قرار داده‌اند (نیکولز و بیکل، ۲۰۰۷: ۱۰۲).

۲-۱-۱- توزیع انواع راهکارهای رمزگذاری مالکیت اسمی در زبان‌های جهان
 نیکولز و بیکل (۲۰۰۷) نشانه‌گذاری‌ها را در ۲۳۵ زبان بررسی کردند. البته طبقه‌بندی آنها کمی با طبقه‌بندی آیکنوالد تفاوت دارد و ۵ دسته است: ۱. نشانه‌گذاری هسته (مملوک). ۲. نشانه‌گذاری وابسته (مالک). ۳. نشانه‌گذاری هسته و وابسته (مالک و مملوک). ۴. بدون نشانه‌گذاری. ۵. موارد دیگر. در این طبقه‌بندی کاربرد پس‌اضافه‌ها برای نشان‌دارکردن هسته یا وابسته نیز جزء موارد بی‌نشان است (دسته ۴). در واقع، آنها تنها نشانه‌های صرفی یا ترکیبی را در نشانه‌گذاری واقعی مالک و مملوک در نظر گرفته‌اند و این کمی عجیب و به لحاظ تاریخی نادرست است، زیرا سرچشمۀ تمامی واژه‌بسته‌ها و وندهای تصربی کلمات نقشی مستقل است (نک. هابر^۳ و تراگوت^۴: ۲۰۰۳، ۷ و نفرگوی کهن، ۱۳۸۹: ۱۵۱). دسته ۵ نیز مواردی را در بر می‌گیرد که در چهار طبقه اول جای نمی‌گیرند، مثل نشانه‌گذاری آزاد یا شناور^۵. در این مورد نشانه‌گذاری اجزاء به هسته بودن یا نبودن ربط ندارد و مثلاً وابسته به مرزهای گروه‌هاست، مثل اتصال نشانه به جایگاه دوم (واکرناگل) که در بعضی زبان‌ها دیده شده‌است.

براساس اعداد و ارقام نیکولز و بیکل از انواع نشانه‌گذاری‌ها، می‌توان پیوستار زیر را برای نمایش میزان وقوع هر یک از راهکارها به دست داد:

نشانه‌گذاری وابسته/ مالک (۹۸ زبان)، نشانه‌گذاری هسته/ مملوک (۷۷ زبان)، نبود نشانه‌گذاری (۳۲ زبان)، نشانه‌گذاری هسته و وابسته (۲۲ زبان)، موارد دیگر (۶ زبان)

بنابراین نشانه‌گذاری مالک و سپس مملوک بیشترین فراوانی را در زبان‌های جهان دارد. البته به این اعداد و ارقام باید با احتیاط نگریست، زیرا در زبان‌ها همیشه از یک راهکار برای

-
1. oblique
 2. Ameka
 3. Hopper
 4. Traugott
 5. free or floating

مالكيت اسمی استفاده نمی شود - تالشی جزء اين زبان هاست - در حالی که نيكولز و بيکل تنها يك راهكار اصلی برای هر زبان در نظر گرفته اند (برای ملاک های این کار نک. نيكولز و بيکل، ۱۰۳: ۲۰۰۷).

۲-۲- رمزگذاري مالكيت محمولي

در ساخت مالكيت محمولي، رابطه مالک و مملوك در سطح بند مشخص می شود. اين کار بيشتر با افعال ملكی «داشتني» يا «متعلق بودن»، و افعال ربطی^۱ صورت می پذيرد:

(۸) هرکس ^۴ سبد داشت که داخلش ^۴ تا گريه بود (بهار سايت).

(۹) فرنگي کار وزن ۷۵ کيلوي کشورمان گفت: اميدوارم قهرمان جام جهاني شويم و اين جام متعلق به همه مردم است (خبرگزاری تسنيم، شناسaise خبر: ۱۰۸۰۰۳۳).

(۱۰) خالد را پسر يحيى بود و يحيى را پسران بودند (گرگانی، ۱۳۱۳: ۹).

جملات ۸ و ۹ مربوط به فارسي معاصر، و جمله ۱۰ متعلق به فارسي نو متقدم است. در جمله اخير، پس اضافه «را» مالک را مشخص می کند و فعل بند از نوع ربطی است. در بعضی از زبان ها نيز مالكيت با استفاده از «ساخت وجودی»^۲ يا «ساخت جايگاهی»^۳ با فعل ربطی بيان می شود (برای رابطه ميان «مالكيت»، «جايگاه» و «وجود» از نظر دستور شناختي نک. لانگاکر، ۱۰۸-۸۱: ۲۰۰۹). در مثال ۱۱ از فارسي نو متقدم، علاوه بر فعل وجودی، بعد از مالک نشانه بهرهور «را» آمده است:

(۱۱) يقين می دانم که ما را خدائي هست، و هر امروزی را فردائي هست (عوفی، ۱۳۷۴: ۲۶۹).

(۱۲) در خزانه من چهل بدراه زر نیست (دولتشاه، ۱۳۱۸: ۱۰).

از اين مثال ها نيز برمى آيد که در بعضی زبان ها از دو يا چند نوع ساخت مالكيت محمولي استفاده می شود. به تعبيير فني تر، در اين زبان ها با لايه بندی^۵ نقشی روبه رو هستيم. منظور از لايه بندی کاربرد چند صورت برای بيان يك نقش دستوري است (نك. هاپر، ۱۹۹۱: ۳۲-۲۲ و نفرگوی كهن، ۱۳۸۹: ۱۵۲). البته باید توجه داشت که انتخاب يك ساخت مشخص از مالكيت محمولي ممکن است به رابطه ملكی، معنای مملوك يا مالک و عوامل ديگري از جمله معرفگي، جانداري و تأكيد ربط داشته باشد.

1. copula

2. existential construction

3. locational construction

4. Langacker

5. layering

۳- پیکره و روش‌شناسی

با اینکه تحقیقات زیادی در تالشی و گونه‌های آن شده، به جز اشاره‌هایی پراکنده، تحقیق مستقلی درباره مالکیت در تالشی نشده است (برای فهرست و نقد مفصلی از تحقیقات در تالشی نک. آساطوریان^۱ و برجیان، ۲۰۰۵). در این مقاله، مواد زبانی مربوط به راهکارهای رمزگذاری مالکیت از همین اشارات پراکنده و تحقیقات مربوط به تالشی استخراج و به آنها ارجاع داده شده است؛ موارد ارجاع داده‌نشده مربوط به پایان‌نامه کارشناسی ارشد نگارنده با عنوان بررسی گویش تالشی است. مواد زبانی این پایان‌نامه در سال ۱۳۷۳ به صورت میدانی از دهستان طاسکوه ماسال جمع‌آوری شده. برای همه شواهد شرح میان خطی^۲ آمده. فهرست نشانه‌های اختصاری در پیوست مقاله آمده است.

۴- مالکیت در تالشی

در گویش تالشی، در مالکیت اسمی و مالکیت محمولی از راهکارهای مختلفی استفاده می‌شود که در ادامه، به تفکیک بررسی می‌شود:

۴-۱- مالکیت اسمی

از پنج راهکار رمزگذاری اسمی، چهار راهکار در تالشی کاربرد دارد. البته بعضی از این راهکارها، مثل نشانه‌گذاری مالک از بقیه پرکاربردتر است.

۴-۱-۱- هم‌جواری

این راهکار تنها زمانی به کار می‌رود که مالک مختوم به واکه باشد. در این وضعیت، هیچ نشانه‌ای برای تمایز مالک از مملوک به کار نمی‌رود و تنها وقوع مالک قبل از مملوک رابطه ملکی را مشخص می‌کند:

(۱۳)	ka	bar	
	house	door	(در خانه)
(۱۴)	gâ	šət	
	cow	milk	(شیر گاو)
(۱۵)	hinduna	duna	
	watermelon	seed	(تخم هندوانه)

در این مثال‌ها ka و gâ به واکه ختم شده‌اند و نشانه‌ای به آنها اضافه نشده است.

1. Asatrian

2. gloss

۴-۱-۲- نشانه‌گذاری مالک

در تالشی «مالک» با حالت‌نمای غیرفعالی^۱ نشان‌دار می‌شود. این حالت‌نمای در این ساخت نقش اضافه یا اتصال را ایفا و مالک را مشخص می‌کند. نکته جالب معتبربودن شمار برای مالک است؛ حالت‌نمای -a- به مالک مفرد و حالت‌نمای -un- به مالک جمع متصل می‌گردد:

- (۱۶) zarzang-i gâz
 bee-OBL.POSS.SG sting (نیش زنبور)
 (۱۷) xar-i pâlun
 donkey-OBL.POSS.SG saddle (پالان خر)
 (۱۸) asb-un baris
 horse-OBL.POSS.PL passageway (رضایتی کیشه‌خاله، ۱۳۸۶: ۱۰۹) (گذرگاه اسب‌ها)

در گونه‌های تالشی ایران، گاه به جای حالت‌نمای غیرفعالی -a- از نشانه -a- استفاده می‌شود:

- (۱۹) zarzang-a gâz
 bee-OBL.POSS.SG sting (نیش زنبور)
 (۲۰) varg-a ria
 wolf-POSS.SG foot-trace (همان: ۱۰۵) (رد پای گرگ)
 (۲۱) pas-a šat
 sheep-POSS.SG milk (همان‌جا) (شیر گوسفند)

پسوند -a- در اصل تنها نشانه اتصال است و به موصوف متصل می‌گردد:

- (۲۲) bəland-a diyâr
 tall-LNK wall (دیوار بلند)
 (۲۳) isbi-a mazgat
 white-LNK mosque (همان‌جا) (مسجد سفید)
 (۲۴) tel'-a gaf
 bitter-LNK word (همان‌جا) (حرف تلخ)

ظاهراً در گونه‌های تالشی ایران، کاربرد نشانه اتصال -a- از ساخت «صفت- موصوف» به ساخت‌های اضافی تعمیم یافته است. علت تعمیم -a- اتصالی به ساخت ملکی در گونه‌های تالشی ایران می‌تواند تماس گویشوران تالشی با زبان فارسی باشد. در فارسی کسره اضافه هم نقش اتصال موصوف و صفت را ایفا می‌کند و هم مملوک را به مالک ربط می‌دهد، این دو

1. oblique

نقش برای گویشوران دوزبانه تالشی در هم‌تنیده گردیده و رابطه دو نقش با دو صورت برای آنها کمرنگ‌تر شده است. از آنجاکه به طور طبیعی میزان وقوع ساختهای «صفت-موصوف» بیشتر از ساختهای ملکی است، a- اتصالی به ساخت ملکی تعمیم یافته و جای -a- غیرفاعلی را گرفته است. در تالشی شمالی جمهوری آذربایجان نیز نشانه اتصال a- مانند گونه‌های تالشی ایران در ساخت «صفت-موصوف» کاربرد دارد:

(۲۵) həšk-a xol
dry-LNK branch (شاخه خشک)

(۲۶) ġočaġ-a gülla
little-LNK bullet (دو مثال از شولتره، ۲۰۰۰: ۱۵) (گلوله کوچک)

نکته جالب این گونه، از بین رفتن نقش حالت‌نمایی -a- و کاربرد آن به عنوان جزء ربط برای ارتباط اجزای گروه اسمی، مثل ارتباط میان صفت و موصوف است:

(۲۷) serāf-i həšk-a xol
thick- LNK dry-LNK branch (شاخه خشک قطور)

(۲۸) ber-i atrof
bush-LNK surroundings (دو مثال بالا از همانجا) (اطراف بوته)

شولتره (همان‌جا) این کاربرد را ناشی از تعمیم -a- از ساختهای ملکی می‌داند. به نظر نگارنده بدین سخن باید به دیده احتیاط نگریست زیرا بسامد وقوع ساختهای «صفت-موصوف» مطمئناً بسیار بیشتر از ساختهای ملکی است و همین بسامد وقوع بالای امکان تعمیم جزیی از یک ساخت با بسامد پایین‌تر را بسیار مشکل تر می‌سازد. احتمال دیگر می‌تواند کمک زبان‌های مجاور به این تعمیم باشد. تالشی شمالی در تماس شدید با گویش‌های ایرانی و غیرایرانی منطقه آذربایجان مانند گویش Tat^۱ بوده است. این گویش از زبان‌های ایرانی جنوب غربی است و زبان‌شناسان آن را در زمرة گونه‌ای از فارسی طبقه‌بندی کرده‌اند^(۲) (ویدنفور^۳ و پری^۴، ۲۰۰۹: ۴۱۷). در گونه‌هایی از این گویش کسره اضافه (i) نقش اتصال موصوف و صفت و نشان‌دار کردن مملوک را ایفا می‌کند^(۳) (لکوک، ۱۳۸۳: ۴۹۱). استیلو (۲۰۱۵) شباهت‌های مشترک تالشی شمالی و سایر زبان‌های ایرانی (غیرترکی) منطقه و اختلاف آن با تالشی مرکزی و جنوبی را به چگونگی تکوین تالشی شمالی و متأثرشدن این گونه از زبان‌های ایرانی دیگر - به خصوص تاتی شمالی - نسبت می‌دهد^(۴).

1. Tat

2. Windfuhr

3. Perry

علاوه بر نشانه گذاري مالك با حالت نماها، مالك مي تواند به صورت ضمير (ملكي) نيز باشد.
ضمایر ملکی شش صورت مختلف دارد و قبل از مملوک قرار می گیرند و به صورت تكميلي^۱
شخص و شمار مالك را مشخص می کنند - البته تقریباً به جز سوم شخص جمع čavun که
در آن نشانه غیرفعالی جمع un- قابل شناسايی است -. در شواهد، زیر ضمایر ملکی خط
کشیده شده است:

(۳۹)	<u>čəmə</u>	kitâv			
	OBL.POSS.1SG	book	(كتاب من)		
(۴۰)	<u>čəmə</u>	bərâ	rafeq	uma.	
	OBL.POSS.1SG	brother	friend	came	(دوست برا در من آمد).
(۴۱)	Ali	səbi	<u>əštə</u>	ka	â.
		tomorrow	OBL.POSS.2SG	house	come (على فردا به خانة تو می آید).
(۴۲)	<u>če</u>	pul-en		avi	âbina.
	OBL.POSS.3SG	money-OBL.PL	lost	been	(پول های او گم شده است).
(۴۳)	<u>tə</u>	<u>čama</u>	ka	n-ây?	
	2SG	OBL.POSS.1PL	house	NEG-come?	(تو به خانة ما نمی آیی؟)
(۴۴)	az	<u>šəma</u>	ka	balat	n-imā.
	1SG	OBL.POSS.2PL	house	skilled	NEG-exist (من خانة شما را بلد نیستم).
(۴۵)	Ali	səbi	<u>čavun</u>	ka	â.
		tomorrow	OBL.POSS.3PL	house	come (على فردا به خانة آنها می آید).

شيوهه دیگر رمزگذاري تكميلي مالك، استفاده از ضمير əstan^(۵) (خود/ خويشت) است که در اصل نقش دوگانه تشدیدی^۲/ تأکيدی و انعکاسي/ هم مرجعی^۳ دارد. اين ضمير تنها يك صورت دارد و برای شمار مفرد يا جمع و نيز اول، دوم و سوم شخص به کار می رود:

(۴۶)	az	əstan	šima.		
	1SG	REFL	go.PST.1SG	(من خدم رفتم،)	
(۴۷)	tə	əstan	šira.		
	2SG	REFL	go.PST.2SG	(تو خودت رفتی).	

1. suppletive

2. intensive

3. coreferential

- | | | | |
|-----------|-------|------------|----------------------|
| (۳۸) a | əštan | ša. | |
| 3SG | REFL | go.PST.3SG | (او خودش رفت). |
| (۳۹) ama | əštan | šimuna. | |
| 1PL | REFL | go.PST.1PL | (ما خودمان رفتیم). |
| (۴۰) šəma | əštan | širuna. | |
| 2PL | REFL | go.PST.2PL | (شما خودتان رفتید). |
| (۴۱) aven | əštan | šina. | |
| 3PL | REFL | go.PST.3PL | (آنها خودشان رفتند). |

نقش‌های تأکیدی- انعکاسی راه را برای کاربرد این جزء برای نمایش مالکیت هموار می‌سازد. ضمیر *هشتن* در ساخت ملکی، هم مالک را مشخص می‌کند و هم ناظر بر معنای تأکیدی است. در این ساخت‌ها این ضمیر قبل از مملوک قرار می‌گیرد:

- (۴۲) aven əštan rafeq-un vinde râ šina.
3PL REFL.POSS friend-OBL.PL see BEN go.PST.3PL
(آنها به دیدن دوستشان رفتند).

(۴۳) muš ne-šâ əštan xəl-i ku dašu gezəyn-i
mouse NEG-can REFL.POSS hole-OBL.SG ILL go.into broom-OBL
əštan dum-i ku saxt âkarə.
REFL.POSS tail-OBL.SG ALL fast bind.PRS
(موش نمی تواند به تنها یابه سوراخش برود جارویی هم به دُمش می بندد).

(۴۴) xerden əštan nana sina ku šət harə.
child REFL.POSS mother breast ABL milk drink.PRS
(بچه از سینه مادرش شیر می خورد).

(۴۵) har kas əštan ka tamiz âkarə.
each person REFL.POSS room clean make.PST
(هر کس اتاق خودش را تمیز می کرد).

(۴۶) əštân šua-ru či pâté?
REF.POSS husband-BEN what? cook.PST.2SG
(برای شوهرت چی پختی؟) (گونه عنبرانی، پاول، ۸۳: ۲۰۱۱)

(۴۷) əm pis-i əštan kis-e iâ nân
DEM.SG baldy-OBL.SG REFL.POSS bag-PL here put.PST
(این کچل کیسه هایش را اینجا گذاشت.) (گونه اسلامی، همان جا)

(۴۸) a faqat əštan sar-i šâst-əš-a
SG only REFL.POSS head-OBL.SG wash-3S-PST
(فقط سرش را شست.) (گونه ماسالی، همان ۸۴)

۱-۳- نشانه‌گذاری مملوک

در تالشی از کسره اضافه استفاده نمی‌شود. تالشی ساخت خاصی دارد که با آن مملوک نشان‌دار می‌شود. دیکسون (۲۰۱۰: ۳۷۰) از نوعی نشانه‌گذاری مالک و مملوک در بسیاری از زبان‌ها یاد می‌کند که در آن نشانه علاوه بر نشان‌دارکردن مالک یا مملوک حاوی اطلاعات دیگری نیز هست مانند زبان فیجیایی^۱ که در آن وند مشخص کننده مملوک، شخص و شمار مالک را نیز مشخص می‌کند. وی این را «وند تعلقی ضمیری»^۲ می‌نامد. در تالشی و فارسی نیز ساخت مشابهی هست که مملوک با پی‌بست ضمیری^۳ (ملکی) نشان‌دار می‌شود:

chick-PL-3SG.POSS big become.PRS (جوچه‌هایش بزرگ می‌شوند).

(گونہ یونلے، کلباسے، ۱۳۸۹: ۱۸۴)

(අං.) zamin-un-ුන avun ku vigeta.

land-OBL.PL-3PL.POSS OBL.3PL ABL retake.PST

(زمین‌هایشان را از آنان پس گرفته‌اند.)

(51) čaš-əš ba vača hamu-anda a-gini.

eye-3SG.POSS ALL kid field-LOC PVB-fell.3S

(چشمش به بچه در مرز عه افتاد). (گونه عنبرانی، پاول، ۲۰۱۱: ۷۹)

(අ၃) māsin-əš hič-a vaz-i-kâ

car-3SG.POSS nothing-LNK situation-OBL.SG-LOC be.PST-3SG

(اتومبیلش در وضع بدی یود). (گونه‌های اسلامی و عنیرانی، همان‌جا)

(අච්) mən zua-m majbur kard-a tika-i âv be-nj-u.

1SG.OB son-1SG.POSS force did-PST little-IND water SBJ-drink-

(پسرم را مجبور کردم کمی آب بخورد.) (گونه اسلامی، همانجا)

(۵۴) havâs-əš part bə.

concentration-3SG.POSS thrown be.PST.3SG (جواشی ب ت بود).

(گونئی عنبرانہ، ہمارا جا)

۴-۱-۴- نشانه‌گذاری، مالک و مملوک

این نوع نشانه‌گذاری نادر است. در این مورد مالک به صورت تکمیلی با ضمیر ملکی / انعکاسی و مملوک با واژه‌بست ضمیری نشان دار شده است:

1. Fijian

2. pronominal pertensive affix

3. pronominal clitic

(۵۵) əštan	pul-un-eš	avi	âkarda.
REF.FOC.POSS	money-OBL.PL-3.SG	lost	make.PST
(پول‌هایش را گم کرده‌است.)			

۴-۱-۵- استفاده از یک نشانه مستقل

این نوع نشانه‌گذاری برای اتصال دو اسم در زبان‌های ایرانی شمال غربی سابقه دارد، مثل نشانه مستقل ā در پارتی (نک. رضایی باغبیدی، ۱۳۸۸: ۱۳۱ و ۱۳۲) اما در تالشی دیده نشد.

۴-۲- مالکیت محمولی

راهکارهای رمزگذاری مالکیت محمولی در تالشی، مانند راهکارهای رمزگذاری مالکیت اسمی بسیار متنوع است. در رمزگذاری مالکیت محمولی از فعل قرضی «داشتن»، انواع ساخت وجودی، ساخت جایگاهی، و ساخت فعل ربطی استفاده می‌شود.

۴-۲-۱- فعل dâšte (داشت)

گرچه این راهکار در تالشی شمالی کاربرد ندارد (شولتزه، ۲۰۰۰: ۳۴)، ولی در بعضی از گونه‌های تالشی ایران، مثل ماسالی تحت تأثیر فارسی از فعل dâšte (داشت) استفاده می‌گردد. ایساچنکو^۱ (۱۹۷۴) زبان‌های دارای فعل ملکی معادل «داشت» را «زبان دال»^۲ می‌نامد و آنها را از «زبان‌های میم» (با فعل «متعلق بود») متایز می‌سازد (نک. هاینه، ۱۹۹۷: ۲۱۱ و ۱۳۹). با توجه به همین تقسیم‌بندی بعضی از محققان (هاینه، ۱۹۹۷؛ هاینه و کوتوا^۳، ۲۰۰۲) از «ساخت دال» سخن گفته‌اند. در ساخت دال، مالک در مقام موضوع اصلی فعل، جایگاه فاعل را اشغال می‌کند، تأکید جمله بر آن، و عموماً معرفه است. به این ترتیب، گونه ماسالی تالشی را باید قطعاً «گونه دال» در نظر گرفت:

(۵۶) hiči	ne- dâr-ə.
nothing	NEG-have-3SG

(گونه طاسکوه ماسال، پاول، ۲۰۱۱: ۱۱۸) (چیزی ندارد).

(۵۷) i	zua-te-i	dâr-i.
3SG	son-DIM=IND	have-3SG.IMPF

(او پسر کوچکی داشت).

(گونه طاسکوه ماسال، همان: ۱۳۱)

(۵۸) zua-te-i-na	vâ-in	pisakula.
boy-DIM-OBL-LOC	say-IMPF.3PL	baldy

(آنها او را کچل صدا می‌کردند).

(گونه طاسکوه ماسال، همان جا)

1. Isachenko
2. Kuteva

(۵۹) ne lala dâr-ə, ne geša dâr-ə, hiči ne-dâr-ə.
 NEG pipe have-3SG NEG bride have-3SG nothing NEG-have-3SG
 (نه نی دارد، نه عروس دارد، هیچی ندارد). (گونه طاسکوه ماسال، همان: ۱۹۰)

(۶۰) əm ča tə dâr-i?
 DEM what? 2SG have-2SG
 (این چیست که تو داری؟)
 (گونه طاسکوه ماسال، همان: ۲۰۶)

۴-۲-۲- ساخت وجودی

در داده‌های تالشی، «ساخت وجودی» از فعل *heste* (وجود داشتن) با «ضمیر پی‌بستی» یا «پس‌اضافه بهره‌ور» تشکیل شده است.

۴-۲-۱- ساخت وجودی با پی‌بست ضمیری ملکی
 ضمیر پی‌بستی در جمله‌های ۶۱ و ۶۲ به طبقه‌بندی کننده *gela* و در جمله ۶۳ به مملوک متصل شده است:

(۶۱) šâš gela-m bera heste, i- la huâ.
 six CL-1SG brother exist.PRS one-CL sister
 (شش [تا] برادر و یک خواهر دارم). (گونه عنبرانی، همان: ۲۲۲)

(۶۲) də gela-m safā hest-e.
 two CL-1SG basket exist-3S.PST
 (گونه عنبرانی، همان: ۲۳۲) (دو سبد دارم).

(۶۳) i-la kəla-m hest-a
 one-CL daughter-1SG exist-3SG
 (گونه اسلامی، همان: ۲۵۳) (یک دختر دارم).

۴-۲-۲- ساخت وجودی با پس‌اضافه بهره‌ور
 محققان جزء بهره‌ور *râ/ru* را هم متصل و هم منفصل آوانویسی کرده‌اند. این نشانه تبدیل به واژه‌بست‌شدن این جزء در بعضی گونه‌های است. البته منشأ در زمانی تمامی واژه‌بست‌ها کلمات نقشی آزاد مثل پس‌اضافه‌ها هستند (برای توضیحات و مثال‌های عینی از زبان‌های مختلف نک. هاپر و تراگوت، ۲۰۰۳ و نفرگوی کهن، ۱۳۸۹). پس‌اضافه در تالشی موجب اعطای حالت غیرفعالی به اسم قبلی می‌شود (برای انواع پس‌اضافه‌های تالشی و نقش‌های آنان نک. نفرگوی کهن، ۱۳۹۲):

(۶۴) mâ-ru i- la -n ka heste.
 1SG.OB=BEN One-CL-also house exist.PRS
 (من خانه دیگری دارم). (گونه عنبرانی، همان: ۲۲۳)

(۶۵) mə-râ diar ka-ni hest-a.
 1SG.OB-BEN another house-also exist-3SG
 (خانه دیگری دارم). (گونه اسلامی، همان: ۲۵۳)

- (۶۶) mə râ ni xədâyi hesta.
1SG.OBL BEN also God-IND exist
(من هم خدایی دارم).
(رضایتی کیشه‌خاله، ۱۳۸۶: ۱۱۵)
- (۶۷) Hasan-i mál-un-râ šət ni-a.
Hasan-OBL.SG cow-OB.PL-BEN milk NEG-exist.PRS
(گاوهای حسن شیر ندارند). (همان‌جا)
- (۶۸) čama râ hič šət ni-a.
1PL.OBL BEN nothing milk NEG-exist.PRS
(هیچ شیری نداریم).
(همان‌جا)

۴-۲-۳- ساخت جایگاهی

در این ساخت، پس اضافه جایگاهی به همراه فعلی ناظر بر معنای «وجود داشتن» به کار می‌رود. این پس اضافه موجب اعطای حالت غیرفعالی به اسم قبلی می‌شود:

- (۶۹) bəjâr-i kâ-m vâš dare.
farm-OBL LOC-3SG grass exist.3SG
(همان: ۱۱۷) (در مزرعه‌ام علف هست).

۴-۲-۴- ساخت فعل ربطی [مالک + پس اضافه بهره‌ور + مملوک + فعل ربطی]

در این ساخت، پس اضافه مالک را مشخص می‌کند و حالت غیرفعالی به آن می‌دهد:

- (۷۰) davâ-y-i râ kas'ar-i nə-ba.
drug-EP-OBL.SG BEN effect-IND NEG-COP.PR
(دارو اثری ندارد). (همان: ۱۱۵)

- (۷۱) bape mə-râ se gəla safâ a-b-i.
should 1SG.OBL-BEN three CL basket PVB-COP-IMPF.3SG
(باید سه سبد داشته باشم). (گونه عربی‌انی، پاول، ۲۰۱۱: ۲۳۲)

پس اضافه *râ* در جمله‌های بالا با مشخص کردن مالک، ناظر بر معرفه بودن آن است. این ویژگی در «ساختهای دال» یافت می‌شود. بنابراین، در نبود فعل «داشتن» در بسیاری از گونه‌های تالشی، ساخت فعل ربطی با پس اضافه مورد نظر را می‌توان نوعی «ساخت دال» در نظر گرفت. این در زبان‌های جهان بی‌سابقه نیست، زیرا «ساخت دال در بعضی از زبان‌ها با بند ربطی ساخته می‌شود» (آیکنوالد، ۲۰۱۳: ۲۹).

نکته آخر اینکه استفاده از فعل ربطی «بودن» در ساخت ملکی در زبان‌های ایرانی شمال غربی سابقه طولانی دارد و در زبان پارتی نیز قابل روایی است:

- (۷۲) bid Šābuhr šāhān šāh brād bud
(باز شاپور شاهنشاه را برادری بود).
(رضایتی باغ‌بیدی، ۱۳۸۵: ۱۴۲)

۵- نتیجه‌گیری

راهکارهای بسیار متنوعی برای رمزگذاری مالکیت اسمی و محمولی در تالشی وجود دارد. به عبارت فنی تر لایه‌بندی نقش مالکیت، یعنی کاربرد چند ساخت مختلف برای بیان یک نقش دستوری در این زبان بارز است. در رمزگذاری مالکیت اسمی روش‌های هم‌جواری، نشانه‌گذاری مالک، نشانه‌گذاری مملوک، نشانه‌گذاری مالک و مملوک استفاده می‌شود. با این حال، نشانه‌گذاری مالک از دیگر روش‌ها رایج‌تر و نشانه‌گذاری مالک و مملوک بسیار نادر است. در رمزگذاری مالکیت محمولی نیز از انواع ساخت‌های وجودی، ساخت جایگاهی و فعل ربطی استفاده می‌شود. برخلاف فارسی، در اکثر گونه‌های تالشی استفاده از فعلی با معنای «داشتن» کاربرد ندارد. نگارنده در تحقیقات مکتوب موجود، تنها در گونه‌های تالشی ماسال با این راهکار قرضی از فارسی برخورد نموده است^(۷). در مالکیت محمولی تالشی استفاده از پس‌اضافه/واژه‌بست *râ* در «ساخت‌های ملکی ربطی» دیده می‌شود. این راهکار در زبان‌های ایرانی شمال غربی و جنوب غربی سابقه طولانی دارد. البته این کاربرد در فارسی که از زبان‌های ایرانی جنوب غربی است منسوخ شده، در حالی که در تالشی هنوز با قوت به حیات خود ادامه می‌دهد.

پی‌نوشت

۱. دیکسون (۲۰۱۰) از اصطلاح *pertensive* (تعلقی) برای این نوع نشانه‌گذاری استفاده می‌کند.
۲. این گویش را باید با گویش *Tāti* که از زبان‌های ایرانی شمال غربی است اشتباه گرفت. به دلیل این شباهت اسمی بعضی از زبان‌شناسان (لکوک، ۱۳۸۳: ۴۸۹) ترجیح داده‌اند به جای *Tati* از «آذری» سخن بگویند.
۳. می‌دانیم کسره اضافه در این زبان به صورت *-a* تلفظ می‌گردد. در زبان فارسی نو متقدم نیز تلفظ کسره اضافه به صورت *-e* بوده است نه *-o* (برای مثال‌های دیگر از زبان‌های ایرانی که در آنها کسره اضافه جای نقش حالت‌نمای راگرفته نک. استیلو، ۲۰۰۹: ۷۱۰-۷۱۱).
۴. درباره وضعیت زبان‌های ایرانی در جمهوری آذربایجان نک. کلیفتون [Clifton]، ۲۰۰۹.
۵. میلر (۱۹۵۳: ۱۲۷) و به تبع او پاول (۱۱: ۲۰۸) *əstan* را مشتق از *xwēš* (خویش) و *tan* (تن/بدن) در فارسی میانه می‌دانند. البته می‌دانیم تالشی ادامه فارسی میانه نیست.
۶. H-language در این اصطلاح همان حرف آغازین فعل have (داشتن) در انگلیسی است. با توجه به اینکه «داشتن» در فارسی با حرف «دال» آغاز می‌شود، در فارسی از «زبان دال» یا «ساخت دال» سخن می‌گوییم. «ساخت دال» را معادل H-construction به کار برده‌ایم. به همین

ترتیب «زبان میم» و «ساخت میم» معادل B-language و B-construction است. B در این اصطلاحات ناظر بر فعل «متعلق بودن» در انگلیسی است.
۷. با توجه به گفته‌های دکتر رضایتی کیشه‌حاله، این راهکار در تالشی شفت و سیاه‌مزگی نیز کاربرد فراوان دارد.

پیوست

(فهرست اختصارات شرح‌های میان خطی)

فارسی	انگلیسی	نماد	فارسی	انگلیسی	نماد
اضافی	Genitive	GEN	اول شخص	First person	1
به (سمت)	Illative	ILL	دوم شخص	Second person	2
نمود ناقص	Imperfect	IMPF	سوم شخص	Third person	3
نامعین	Indefinite	IND	ازی	Ablative	ABL
اتصالی	Linker	LNK	مطلق	Absolutive	ABS
جایگاهی	Locative	LOC	رایی	Accusative	ACC
نفي	Negation	NEG	به (روی)	Allative	ALL
جمع	Plural	PL	بهره‌ور	Benefactive	BEN
ملکی	Possessive	POSS	طبقه‌بندی‌کننده	Classifier	CL
زمان حال	Present	PRS	فعل ربطی	Copula	COP
زمان گذشته	Past	PST	معین	Definite	DEF
پیشوند فعلی	Preverb	PVB	اشاری	Demonstrative	DEM
اعکاسی	Reflexive	REFL	صغرساز/تحبیبی	Diminutive	DIM
التامی	Subjunctive	SBJ	درج آوابی	Epenthesis	EP
مفرد	Singular	SG	تاکید	Focus	FOC

منابع

- دولتشاه سمرقندي. ۱۳۱۸/۱۹۰۰. تذکره الشعرا. مورخ ۸۹۲ هجری. به تصحیح ادوارد برون. لیدن: بریل.
- رضایتی کیشه‌حاله، م. ۱۳۸۲. «چند نکتهٔ دستوری در گویش تالشی». گویش‌شناسی، (۱): ۴۱-۵۲.
- _____ ۱۳۸۴. «ارگتیو در گویش تالشی». زبان‌شناسی، (۳۹): ۱۱۳-۱۲۶.
- _____ ۱۳۸۶. زبان تالشی، توصیف گویش مرکزی، رشت: فرهنگ ایلیا.
- رضایی باغ بیدی، ح. ۱۳۸۵. راهنمای زبان پارتی (پهلوی اشکانی). تهران: ققنوس.
- _____ ۱۳۸۸. تاریخ زبان‌های ایرانی. تهران: مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی (مرکز پژوهش‌های ایرانی و اسلامی).

عوفی، س. م. ۱۳۷۴. جوامع الحکایات ولوامع الروایات، به کوشش ج. شعار. تهران: علمی و فرهنگی.
کلباسی، ا. ۱۳۸۹. فرهنگ توصیفی گونه‌های زبانی ایران، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

گرگانی، م. ع [تصحیح]. ۱۳۱۳. تاریخ برآمکه. مطبوعه مجلس.

لکوک، پ. ۱۳۸۳. «گویش‌های حاشیه دریای خزر و گویش‌های شمال غرب ایران. راهنمای زبان‌های ایرانی»، ج ۲، ویراسته ر. اشمیت. ترجمه فارسی زیر نظر ح. رضایی باغبیدی، تهران: ققنوس. ۴۸۹-۵۱۵

نفرگوی کهن، م. ۱۳۸۹. الف. «چگونگی شناسایی موارد دستوری شدگی». پژوهش‌های زبان و ادبیات تطبیقی، ۲(۱): ۱۴۹-۱۶۵.

______. ۱۳۸۹. ب. «از واژه‌بست تا وند تصریفی، بررسی تحول تاریخی بعضی واژه‌بست‌های فارسی جدید». دستور، ۶(۴): ۷۷-۹۹.

______. ۱۳۹۲. «نقش پساضافه‌ها در اعطای حالت، مطالعه موردی در گویش تالشی». زبان‌ها و گویش‌های ایرانی، ۳(۳): ۱۱۱-۱۳۲.

Aikhenvald, A. Y. 2013. Possession and ownership: a cross-linguistic perspective.

In: A. Y. Aikhenvald and R. M. W. Dixon (eds.). Possession and Ownership: a crosslinguistic typology: 1-64. Oxford: Oxford University Press.

Ameka, F. 1996. Body parts in Ewe. In: H Chappell & W. McGregor (eds). The grammar of inalienability: a typological perspective on body part terms and the part-whole relation: 783–840. Berlin: Mouton de Gruyter.

Asatrian, G. & Borjian, H. 2005. Talish and the Talashis (State of Research). Iran and the Caucasus, 9 (1): 43–72.

Broadbent, S. M. 1964. The Southern Sierra Miwok Language. University of California Publications in Linguistics 38. Berkeley: University of California Press.

Christensen, A. 1921. Les dialectes d'Awromān et de Pāwā. Copenhagen: Bianco Lunos Bogtrykkeri.

Clifton, J. M. 2009. Do the Talysh and Tat Languages Have a Future in Azerbaijan? Work Papers of the Summer Institute of Linguistics, University of North Dakota Session 50. <http://www.und.edu/dept/linguistics/wp/2009Clifton.pdf>

Dixon, R. M. W. 2010. Basic linguistic theory. Vol. 2, Grammatical topics. Oxford: Oxford University Press.

Haiman, J. 1983. Iconic and economic motivation. Language, (59): 781-819.

_____. 1985. Natural syntax. Cambridge: Cambridge University Press.

Heine, B. 1997. Possession: Cognitive sources, forces and grammaticalization. Cambridge: Cambridge University Press.

- Heine, B. & Kuteva,T .2002. On the evolution of grammatical forms. In: Alison Wray (ed). *The transition to language*: 376-398. Oxford: Oxford University Press.
- Hopper, P. J. 1991. On some principles of grammaticalization. In E. C. Traugott & B. Heine (eds.). *Approaches to grammaticalization*. vol. I: 17-35. Amsterdam/ Philadelphia: John Benjamins.
- Hopper P. J. & Traugott, E. C. 2003. *Grammaticalization*, Cambridge: Cambridge University Press.
- Isachenko, A. V. 1974. ‘On “have” and “be” languages’, of *The Slavic forum*. M. S. Flier (ed.). *Essays in linguistics and literature*: 43–77. The Hague: Mouton.
- Langacker, R. W. 2009. *Investigations in Cognitive Grammar*. Berlin and New York: Mouton de Gruyter.
- Miller, B.V. 1953. *Talyšskij jazyk*. Moskva: Izd. AN SSSR.
- Nichols, J. & Bickel, B. 2005. Locus of marking in possessive noun phrases. In: M. Haspelmath, M. S. Dryer, D. Gil & B. Comrie (eds.). *The world atlas of language structures*: 102-105. Oxford & New York: Oxford Unviersity Press.
- Osborne, C. R. 1974. The Tiwi Language. *Australian Aboriginal Studies* 55. Pacific Linguistics, Series 21. Canberra: Australian Institute of Aboriginal Studies.
- Paul, D. 2011. A comparative dialectal description of Iranian Taleshi. Ph.D dissertation. University of Manchester.
- Schulze, W. 2000. *Palangi ahvolot: The morphosyntax of a Northern Talysh oral account*. Lincom Europa.
- Stassen, L. 2009. *Predicative Possession*. New York: Oxford University Press.
- Stilo, D. 1981. The Tati Group in the Sociolinguistic Context of Northwestern Iran. *Iranian Studies*, Vol. 14, (3/4): 137-187.
- _____. 2009. *Case in Iranian, from production and loss to innovation and renewal*. In: Andrej Machchukov and Andrew Spencer (eds). *The Oxford handbook of case*: 700-715. Oxford: Oxford University Press.
- _____. 2012. *Gīlān x. Languages*. In: *Encyclopædia Iranica*. Vol. X, Fasc. (6): 660-668. Online edition, 2012, available at <http://www.iranicaonline.org/articles/gilan-x>.
- _____. 2015. The Polygenetic Origins of the Northern Talyshi Language. In: Uwe Bläsing, V. Arakelova & M. Weinreich (eds.). *Studies on Iran and the Caucasus in honour of Garnik Asatrian*: 411-453. Leiden and Boston: Brill.
- Windfuhr, G. & Perry J. R. 2009. Persian and Tajik. In: *The Iranian languages*. G. Windfuhr (ed.). London and New York: Routledge: 416-544.